



تاج الدینی و خزران

رسول همدانلی

به جای مقدمه

در یک روز بهاری، تاج الدینی نماینده تبریز با اطمینان از نبود هرگونه مشکل دیگر در حوزه انتخابیه اش، به منوچهر متکی وزیر خارجه چنین «تذکر» داد: "چرا نام ایرانی دریای مازندران به نام مجعول و غیر ایرانی «خزر» تغییر یافته است؟" و افزود: "در هیچ کدام از نام های قدیمی نام خزر نبوده و از دوره قاجار این نام مجعول و غیر ایرانی وارد اسناد شده است؛ خزر نامی است برگرفته از قوم خزر که در بخش شمالی دریا ساکن شده اند و قومی غیر ایرانی و ستیزه جو و مهاجم بودند و هر از گاهی به شهرهای ایران و ارمنستان و آذربایجان که جزو قلمرو ایران بودند هجوم می آوردند.!!!"

توضیح: در سرتاسر این نوشته، هر جا که از «منابع تاریخی» یاد شده، منظور دو کتاب «خزران / آرتور کستلر» و «تاریخ امپراطوری خزران / د.م. دانلپ» بوده است؛ مگر اینکه نام منبع دیگری صریحاً قید شده باشد.



قدمت تاریخی نام «خزر»

در مقایسه با کلمه «مازندران» که برای اولین بار در شاهنامه فردوسی (اواخر قرن دهم میلادی) ظاهر شده، کلمه «خزر» با قدرت یایی امپراطوری خزران از قرن ششم میلادی شهرت یافته است. منابع ارمنی نیز به خزران در قرن دوم میلادی اشاره دارند که این مساله، بر دوره قبل از تشکیل امپراطوری و شهرت یافتن آنان دلالت دارد. حداقل ۱۴ قرن سابقه، تقدّم تاریخی «خزر» بر «مازندران» را محرز می سازد.

از طرف دیگر، اسامی جغرافیائی در شاهنامه مفهومی افسانه ای و فانتزی دارند و در تطبیق با مصادیق نیز به شدت دچار آشفتگی هستند. این آشفتگی تا بدانجاست که برخی «شاهنامه پژوهان» مدعی شده اند که خاور(شرق) در شاهنامه به معنی شمال به کار رفته است! تکلیف «البرز کوه» معلوم نیست و ما گاهی آنرا در حوالی «هرات» می یابیم، همچنانکه برخی مازندران را در حوالی «یمن»!!! پژوهیده اند! حتی نمی توان با اطمینان مدعی شد که مازندران کنونی واقعا همان طبرستان تاریخی است یا خیر، چه رسد به اینکه نام دریای خزر را منبعث از مازندران بدانیم.

در اغلب منابع غربی کلمه «کاسپین» برای اشاره به این دریا به کار می رود که برگرفته از اتنونیم «کاسپی» است. کاسپیها تیره ای از کاسی^۱ها بودند که در هزاره اول قبل از میلاد در حوالی مغان و لنکران سکونت داشتند و در صنعت کشتی سازی به پیشرفتهائی رسیده بودند^۲. علت اینکه پان فارسیستها علیرغم شهرت کلمه «کاسپین» به آن علاقه ای نشان نمی دهند، آنست که قاطبهء محافل علمی «کاسی»ها (Kassites) را به عنوان اقوامی غیر هند و اروپائی و التصاقی زبان پذیرفته اند^۳. محافل پان فارسیستی تاکنون نامهای دیگری همچون «دریای قزوین» را نیز برای اشاره به این دریا مطرح کرده اند^۴، غافل از اینکه کلمه «قزوین» به دلیل وجود حرف «ق» در آن نمیتواند فارسی باشد^۵.

آیا «خزر» یک کلمه «مجموع» است؟

لغت نامه های فارسی، معنی کلمه «مجموع» را «ساخته شده، ساختگی» می دانند؛ پس به زعم تاج الدینی، واژه خزر وجود خارجی نداشته و ناگهان در دوره قاجار «ساخته» شده است. همانطور که دیدیم در قدمت تاریخی این کلمه تردیدی وجود ندارد، پس تنها کار باقی مانده تحلیل لغوی آن است. منابع تاریخی به تورک زبان بودن خزران اذعان دارند؛ کلمه «خزر» نیز یک اسم مرکب تورکی است که از دو اسم ساده «خز»(پوست جانوران) و «آر»(مرد) ترکیب یافته و به معنای «مردمان پوست فروش» می باشد. بر اساس همان منابع، تجارت پوست جانوران در امپراطوری خزران بسیار رایج بوده و اتیمولوژی کلمه با طرز معیشت خزران نیز تائید می گردد^۶.

واقعیت دیگری که همواره ذهن پان فارسیستها را می آزد، آنست که در اغلب نقشه هائی که برای اثبات سابقه تاریخی نام خلیج کنونی فارس^۷ ارائه شده، به نام دریای خزر یا کاسپین هم بر می خوریم، لذا ادعای «مجموع» بودن این نقشه ها، خود بخود به انکار صحّت نام خلیج فارس نیز منجر خواهد شد. به دو نقشه بعد توجه کنید، اولی به سال ۱۹۳۵ در قاهره چاپ شده

^۱ - اصطلاح «کاسپی» طبق نظر متخصصان مرکب از «کاس» و جمع عیلامی «پی» است. / بخشی از کاسی ها در اواخر هزاره چهارم ق.م. به کوهپایه های زاگرس در حدود لرستان و کرمانشاه کوچیده بودند (عادل ارشادی فرد، پیشینهء تاریخی اردبیل، نشریه آراز، شماره ۱۰۱)

^۲ - آراز اوغلو، تاریخ مختصر آذربایجان، ترجمهء عیسی یگانه، ویژه نامه شماره ۱۵ آباتام.

^۳ - <http://www.history.com/encyclopedia.do?vendorId=FWNE.fw.ka012500.a>

^۴ - <http://khalije-fars.blogfa.com/8311.aspx>

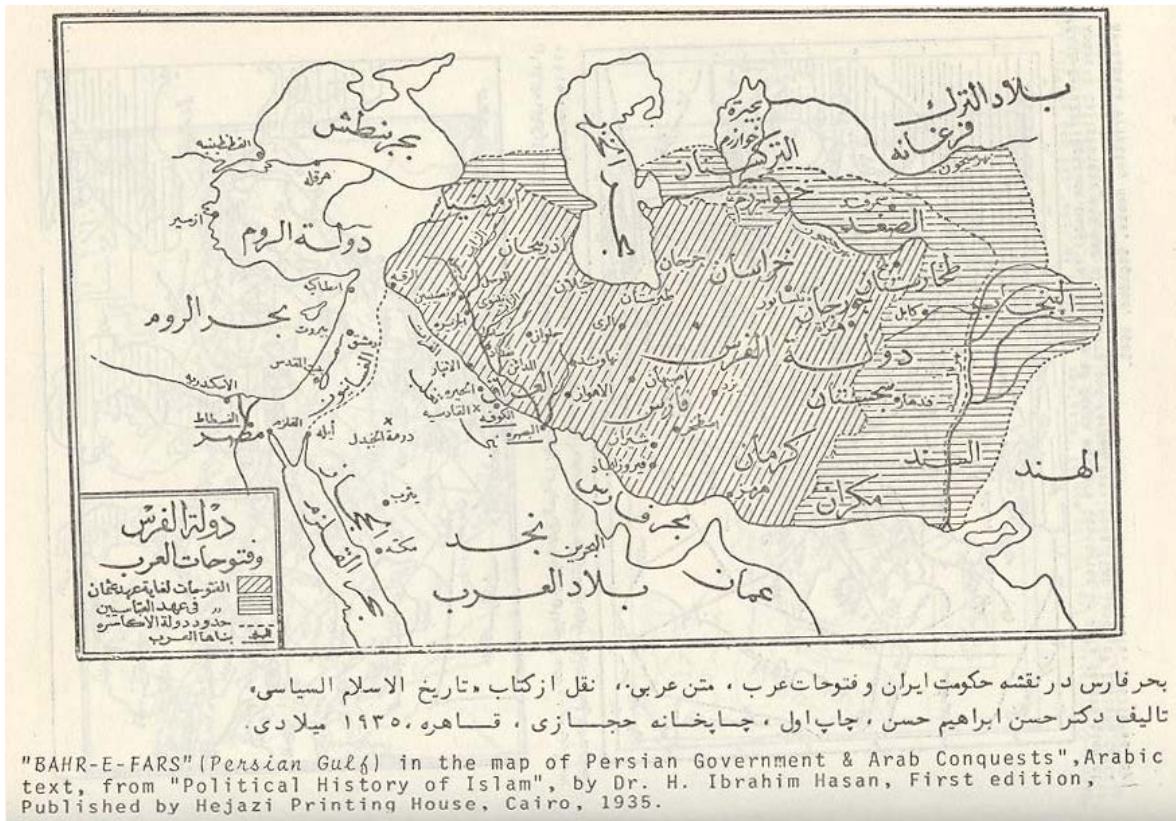
^۵ - فرهنگ عمید، اصطلاحات و قواعد مهم دستور زبان فارسی و صرف و نحو عربی.

^۶ - خالی از لطف نیست که بدانیم کلمه «خزر» در متون علمی نیز جایگاه خود را داراست. همانطور که نام «آرتمیا»ی دریاچهء اورمیه در جهان با نام «آرتمیا اورمیان» شناخته شده و کسی آنرا «آرتمیا مارگیانه» یا «آرتمیا مانتیان» نمی نامد، «اسپچهء خزر» (یکی از اصیل ترین نژادهای اسب در ایران) نیز «اسپچهء مازندران» یا «اسپچهء قزوین» نامیده نشده است.

<http://www.chn.ir/news/Print/?Section=1&id=5345>

^۷ - به این دلیل از صفت «کنونی» برای نام خلیج فارس استفاده نمودیم که توجه دهیم اصولاً اتنونیم «فارس/پارس» بعد از دوره هخامنشیان رواج یافته، در حالیکه نام این خلیج در طی ۳ الی ۵ هزاره قبل از هخامنشیان مسکوت نگه داشته شده است.

La Péninsule Arabique dans les cartes Européennes و دومی از مجموعه Ancient, AL ANKARY (Khaled), Paris, IMA & K. Al Ankary, 2001



یک قصه تکراری: تورکان مهاجم

اطلاق لفظ «مهاجم» به تورکان در ادبیات پان فارسیستی ریشه دیرینه دارد. در این «ادبیات»، هر گاه که صحبت از جنگاوری تورکان باشد، آنان با صفاتی نظیر خونریز، مهاجم و غارتگر توصیف میشوند؛ لکن هر گاه صحبت از جنگاوری فارسها باشد، آنان را دلیر، رزم آور، گرد، پهلوان و... می بینیم. آیا انوشیروان «عادل» که به سپاهیان ساسانی دستور پاره کردن شکم زنان حامله حبشی را میداد تا نسل شان را منقرض کند، در این اوصاف می گنجد؟ آیا وحشیگری و تعدی هخامنشیان که در عمر کوتاه دویست ساله خود با نارضایتی ها و شورشهای قومی پی در پی روبرو بودند بیشتر بود، یا خزرها که بیش از چهارصد سال با تسامح مذهبی و اقتصادی بر یک امپراطوری چند قومی کنترل داشتند؟ آیا خزرها که از قلمرو خود در برابر اعراب دفاع می کردند «ستیزه جو و مهاجم» بودند یا «اسلاوها» که بارها از دریای خزر عبور کرده و نواحی شمالی ایران را غارت کردند؟ امپراطوری خزران در قرن دهم میلادی به دست روسها سقوط کرد و یکی از کسانی که پس از سقوط شهر خزری «آتیل» از آن بازدید کرده، می نویسد: «روسها حمله کردند، نه انگور باقی ماند و نه کشمش، و نه حتی برگی روی شاخه ای!»⁹ آیا اشتراک منافع امروزی دولت ایران با روسها (اخلاف اسلاوها) و ادعاهای پان فارسیستی مبنی بر قرابت زبان روسی و فارسی می تواند چیزی از این تراژدیهای تاریخی کم کند؟



آیا خزران «در نواحی شمالی دریا» ساکن بوده اند؟

⁹ - <http://www.answers.com/topic/khazars>



تصویر قلعه خزران در «سارکیل» که در دهه ۱۹۳۰ توسط م.ای. آرتامانوف از ناحیه Belaya Vyezha در روسیه کنونی برداشته شده است.

قلمرو امپراطوری خزر مثل هر امپراطوری دیگری ثابت نبوده و در مدت ششصد سال گاه وسعت یافته و گاه تحدید شده است. تمامی نقشه های موجود قلمرو خزران را مابین دو دریای سیاه و خزر نشان می دهند و در واقع بیشتر قلمرو خزران در غرب و شمال غربی دریای خزر قرار داشته است. بنابراین یا تاج الدینی هم مثل سلف خود فردوسی نمی تواند جهات جغرافیائی تشخیص دهد، و یا عمداً قفقاز و آذربایجان ایران را از قلمرو خزران حذف میکند تا زمینه را برای ادعاهای ارضی، قومی، زبانی و نژادی دیگری آماده سازد.

خزران در ۷۳۰ میلادی سپاهیان خلیفه عباسی را در نزدیکی اردبیل شکست داده و آنانرا تا حوالی موصل و دیاربکر تعقیب نموده اند؛ پس قلمرو آنها حداقل در یک مقطع تاریخی بیش از نیمی از اراضی «آذربایجان تاریخی»^{۱۰} را در بر میگرفته است.

نتیجه

کسانی که در اواخر دهه هفتاد شمسی به رادیو تبریز گوش می داده اند، احتمالاً به یاد دارند که در ایام رمضان و قبل از دعای سحر، مردم مجبور بودند از افاضات «حاج آقا تاج الدینی» مستفیض شوند. این روند و چند پروژه تبلیغاتی مشابه دیگر، به تدریج نام تاج الدینی را در اذهان مردم حک نمود و باعث شد که در انتخابات رای دست و پا کند. مردم مذهبی شهر تبریز از کجا باید می دانستند که روزی حاج آقا با پان فارسیستهای آتش پرست هم آواز خواهد شد، تورکان را «غیر ایرانی» خواهد خواند و برای ارمنستان یقه چاک خواهد کرد؟ همواره باید توجه داشت که در مقطع زمانی بعد از میلاد مسیح، خزران در کنار بلغارها^{۱۱}، هونها^{۱۲}، ساییرها و آغاجریها و... قبل از اوغوزها در شکل گیری هویت تورکی آذربایجان نقش داشته اند^{۱۳} و اینکه محافل پان فارسیست متناوباً^{۱۴} از در دشمنی با آنان درآمده اند، دلیلی جز کینه تاریخی آنها از تورکان ندارد. امثال تاج الدینی باید بدانند که ایام تحریفات آشکار و بی دردسر تاریخی سپری شده و بهتر است برای اثبات چاکری خود راههای جدیدی بیابند.

۱۰ - «آذربایجان تاریخی» با استناد به «تاریخ طبری» و «عالم آرای نادری» اراضی مابین همدان و دربند (در داغستان کنونی) را در بر میگیرد.

۱۱ - همانطور که در نقشه های فوق دیده میشود، پایتخت تاریخی بلغارها در شمال دریای خزر سووار (Suwar) نام داشته که در حال حاضر این نام در ترکیب توپونیم بیله سووار (Bile Suwar) در دشت مغان (مو+قان) به حیات خود ادامه می دهد.

۱۲ - ر.ک. کارنامه کشورداری انوشیروان ساسانی
۱۳ - در مقطع زمانی قبل از میلاد نیز تا پیش از هجوم اقوام به اصطلاح «هند و اروپائی»، منطقه محاط بین دریای خزر، دریای سیاه، دریای مدیترانه، بین النهرین و خلیج کنونی فارس، مسکن اقوام غیر هند و اروپائی نظیر هوری ها، گوتی ها، لولوبی ها، اورارتوها، کاسی ها و کاسپی ها، اتروسک ها، سومریها، ایلامیها و... بوده است.

۱۴ - علت ذکر قید «متناوباً» آن است که موضع گیری این محافل نسبت به خزران «به اقتضای حال» می تواند تغییر کند؛ یعنی گاه پیش آمده که اینان، خزران را به افتخار «آریائی بودن»؟! نیز نائل گردانیده اند. بهتر است از حضرات سوال شود که اگر خزرها «آریائی» بوده اند، پس دلیل مخالفت شما با آنان چیست؟ (ر.ک. علیرضا اردبیلی، دادنامه آذربایجان، به نقل از انترناسیونال، نشریه حزب کمونیست کارگری)